

نگرشی بر مسؤولیت بین‌المللی ناشی از نقض حقوق بشر

و حقوق بشر دوستانه^۱

دکتر محمدرضا ضیائی بیگدلی^۲

چکیده

مسؤولیت بین‌المللی اشکال گوناگونی دارد که در اساس می‌توان آن را به دو صورت مطرح نمود: یکی مسؤولیت غیرکیفری که خاص کشورها و سازمانهای بین‌المللی است و دیگری مسؤولیت کیفری که خاص اشخاص حقیقی است، اما چنین تفکیک و مرزبندی که به ماهیت و سرشت مسؤولیت بین‌المللی مربوط می‌شود، در مقابل نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، بویژه در مناسبات متقابل آنها، شکل خاصی به خود می‌گیرد.

در این مقاله، ضمن تبیین مختصر مفاهیم حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه و مناسبات متقابل آنها، سعی گردیده جلوه خاص تحقق مسؤولیت بین‌المللی ناشی از نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه به بهترین وجه نشان داده شود. اما از آنجا که مسؤولیت بین‌المللی در کل ناشی از نقض قاعده حقوق بین‌الملل است، به همین جهت، مناسب آن دیده شد که در چارچوب مناسبات متقابل حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه به مسأله «نقض» که محور اساسی برای ایجاد مسؤولیت بین‌المللی است، پرداخته شود. در این راستا، راهکار چنین دیده شد که موارد ذیل مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند:

ماهیت حقوق نقض شده، نقض حقوق با ماهیت توأمان کیفری و غیرکیفری، موارد نقض، مسؤول نقض، قربانی نقض و بالاخره مدعی نقض.

اما پس از احراز نقض و تحقق مسؤولیت بین‌المللی، به نکته دیگری نیز پرداخته شده است و آن پیامدهای مسؤولیت بین‌المللی در قبال نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه است. بالاخره در پایان نیز معاذیر یا موجبات رافع مسؤولیت بین‌المللی برشمرده شده است.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، حقوق بشر دوستانه، حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، حقوق

بین‌الملل بشر، مخاصمات بین‌المللی، مخاصمات غیربین‌المللی، مسؤولیت بین‌المللی، مسؤولیت غیرکیفری، مسؤولیت کیفری.

۱. در تهیه و تنظیم این مقاله، منحصراً از اسناد بین‌المللی که در جای جای مقاله بدانها استناد و در انتهای مقاله از آنها نام برده شده، استفاده گردیده و سایر مطالب مقاله، دیدگاههای علمی نویسنده است، ضمناً خلاصه و قسمتهایی از آن توسط نویسنده در دو همایش به صورت سخنرانی ایراد و یا به شکل مقاله ارائه شده که در پایان از آنها نام برده شده است.

۲. استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.

مقدمه

مسئولیت بین‌المللی - اعم از کیفری یا غیرکیفری، فردی یا دولتی - در قبال نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه شکل خاصی دارد، مخصوصاً مناسبات متقابل حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، ویژگی متمایزتری بدان بخشیده است.

برای تبیین و تحلیل موضوع، طرح مقاله در دو قسمت مجزا و مستقل، اما مرتبط، ترسیم می‌گردد: یکی ملاحظات کلی و دیگری انطباق و اجرای نظام مسئولیت بین‌المللی در قبال نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه.

در این مقاله، منظور از ملاحظات کلی، تبیین مفاهیم و نهادهایی است که شناخت و تحلیل آنها مقدمه لازم و ضروری تبیین و تحلیل نکات اصلی مقاله است. برای نمونه، مسلماً نمی‌توان بدون شناخت مفاهیم حقوق بشر، حقوق بشر دوستانه، مناسبات متقابل میان آن دو و نهاد مسئولیت بین‌المللی، به مطالب اصلی مقاله که همان انطباق و اجرای نظام مسئولیت بین‌المللی در قبال نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه است، پرداخت.

مطالب اصلی مقاله به صورت هشت پرسش مطرح و بدانها پاسخ داده شده است:

۱. ماهیت حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه نقض شده چیست؟
۲. آیا نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه ممکن است علاوه بر ماهیت کیفری، ماهیت غیرکیفری هم داشته باشد؟

۳. موارد نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه که منجر به مسئولیت بین‌المللی می‌شوند، کدامند؟

۴. مسئول نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه کیست؟

۵. قربانی نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه کیست؟

۶. مدعی نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه کیست؟

۷. پیامدهای مسئولیت بین‌المللی در قبال نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه کدامند؟

۸. معاذیر یا موجبات رافع مسئولیت بین‌المللی کدامند؟

الف) ملاحظات کلی

۱. تبیین مفاهیم حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه

در این تحقیق، مقصود از حقوق بشر، مجموعه‌ای از ارزشها، مفاهیم، اسناد و سازوکارهایی است که موضوع آنها حمایت از مقام، منزلت و کرامت انسانی است. خاستگاه اصلی حقوق بشر، بینشهای فلسفی، مکتب حقوق طبیعی، دیدگاهها و مکاتب مذهبی و سیاسی است. درخصوص

موضوعه شدن حقوق بشر، یعنی تبدیل شدن به قوانین یا قواعد حقوق بشری، نقش حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل به موازات یکدیگر بسیار تعیین‌کننده است. اما حقوق بشر دوستانه یا حقوق بین‌الملل بشر دوستانه^۱، مجموعه قواعد حقوق بشری خاص زمان جنگ است. به بیان دیگر، حقوق بشر دوستانه نوع خاصی از حقوق جنگ است و آن، ابزار حقوق بشری زمان جنگ است.

۲. مناسبات متقابل حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه

میان دو مفهوم حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه یک سلسله تقارب یا شباهتهایی وجود دارد و یک سلسله تفاوتها.

در بحث تقارب و تشابه مفهومی، از آغاز، حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه جداگانه گسترش یافته‌اند، اما در پایان سالهای ۱۹۶۰ و مخاصمات قاره افریقا، خاورمیانه، ویتنام، مسائل مربوط به آن دو، همزمان مطرح شد. در واقع، امروزه تا حدود زیادی مرز میان حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه محو شده، تا بدانجا که بسیاری از قواعد حقوق بشر در حقوق بشر دوستانه قابل اعمال است. در عصر حاضر، حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه هر چند از حیث افقی از یکدیگر متمایزند، اما از جهت عمودی متشابهند. حقوق بشر حقوقی است که همگان در همه زمانها، حتی زمان جنگ، از آنها برخوردارند، حال آنکه حقوق بشر دوستانه، حقوق حمایت‌کننده از اشخاص در مخاصمات مسلحانه است. بنابراین، چنین به نظر می‌رسد که میان آن دو از لحاظ موضوعی زمینه‌های مرتبط و متداخلی وجود دارد؛ بدین ترتیب که هر دو سطح رفتار با افراد را ارتقا می‌بخشند و هر دو، با حقوق افراد سروکار دارند. از دیدگاه حقوق بشر محض که بر پایه احترام به زندگی بشر و خوب زیستن انسانها استوار است، جنگ یا هر شکل دیگر استفاده از زور مسلحانه، خود نقض حقوق بشر است.

با انعقاد پروتکل‌های مورخ ۱۹۷۷ ژنو مربوط به مخاصمات بین‌المللی (شماره یک) و مخاصمات غیر بین‌المللی (شماره دو) الحاقی به عهدنامه‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، تقارب حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه به روشنی ظاهر گردید؛ مخصوصاً اینکه بخشی از مقررات آنها، مستقیماً از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورخ ۱۹۶۶ الهام گرفته است. از جمله، در

مقدمه پروتکل شماره دو چنین آمده است: «با یادآوری اینکه اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق بشر، به فرد انسانی حمایتی اساسی اعطا می‌کند و با یادآوری اینکه فرد انسانی در صورت فقدان قواعد لازم‌الاجرا باید تحت حمایت اصول انسانیت و اوامر وجدان عمومی قرار گیرد...».

موضوع تقارب حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه را می‌توان در بسیاری از اسناد و مصوبات کنگره‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی و آرای دیوان بین‌المللی دادگستری ملاحظه نمود؛ از جمله در عهدنامه منع شکنجه مورخ ۱۹۸۴ (بند ۲ ماده ۲)؛ عهدنامه حقوق کودک مورخ ۱۹۸۹ (ماده ۳۸)؛ کنفرانس جهانی ۱۹۹۳ وین؛ و نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری مورخ ۱۹۹۶ در قضیه مشروعیت تحریم کاربرد سلاح‌های هسته‌ای (بندهای ۷۹ و ۹۱).

در مقابل وجوه تشابه میان حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، تفاوت‌هایی نیز میان آنها وجود دارد؛ از جمله: اسناد حقوقی آنها از یکدیگر متمایزند؛ معاهدات بشر دوستانه کاملاً جهانی هستند، اما معاهدات حقوق بشری ضمن آنکه دسته‌ای از آنها جهانی هستند، دسته‌ای دیگر منطقه‌ای هستند؛ بخشی از حقوق بشر، حقوق سیاسی مربوط به شکل حکومت است و این در حقوق بشر دوستانه موضوعیت ندارد؛ حقوق بشر در وضعیت‌های استثنایی قابل تعلیق است (از جمله طبق ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی)، اما حقوق بشر دوستانه در هیچ وضعیتی، قابل تعلیق نیست؛ مسئولیت نقض حقوق بشر متوجه کشورهاست، اما مسئولیت نقض حقوق بشر دوستانه علاوه بر کشورها، متوجه افراد نیز هست. این وجه تمایز که همراه با وجه تشابه است، در این تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۳. حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه و مسئولیت بین‌المللی

وجود هر حق بشری، چه حقوق بشر و چه حقوق بشر دوستانه، دلالت بر وجود الزام حقوقی می‌کند. هر حقی امتیازی است و هر الزامی تکلیفی حقوقی است.

حقوق بین‌الملل بشر به طور کلی مشتمل بر یک سلسله حقوق بشری و یک سلسله حقوق بشری و یک سلسله الزامات حقوقی است. حقوق انسانی و الزامات حقوقی مربوط، آنچنان به هم تنیده شده‌اند که جدایی یکی از دیگری ممکن نیست. برای نمونه، چگونه می‌توان آزادی مذهب را برای فردی به رسمیت شناخت، اما در همان حال او را ملزم به رعایت قواعد رفتاری با پیروان مذاهب مختلف ندانست؟ یا چگونه می‌توان برای یک اسیر جنگی حق مکاتبه

قابل شد، اما او را ملزم به رعایت قواعد رفتاری در قبال سایر اسیران ندانست؟

بنابراین، به طور کلی و اصولی در مقابل هر حقی، تکلیفی وجود دارد؛ هر چند ممکن است وجود حق در جایی و وجود تکلیف در جای دیگر باشد.

سر باز زدن از تکلیف یا الزام حقوقی، چه بسا ممکن است اساس حقوق بشر را در معرض نابودی قرار دهد، اما در مقابل، تمکین به الزامات حقوقی، تضمین مؤثری برای رعایت حقوق بشر است. از اینجاست که اهمیت مسؤولیت بین‌المللی در حقوق بین‌الملل عمومی به طور کلی و در حقوق بین‌الملل بشر به طور خاص مشخص می‌شود.

اگر نظام مسؤولیت بین‌المللی خدشه‌دار شود، حقوق بین‌الملل و در اینجا حقوق بین‌الملل بشر نخواهد توانست آنچنان که باید و شاید به سر منزل مقصود برسد.

مسؤولیت بین‌المللی دو جنبه دارد: یکی مسؤولیت غیرکیفری و دیگری مسؤولیت کیفری. مسؤولیت بین‌المللی در وجه غیرکیفری، یکی از مهمترین و اساسی‌ترین نهادهای حقوقی بین‌المللی است که به عنوان ساز و کاری قانونمند، اساسی و ضروری در روابط متقابل تابعان حقوق بین‌الملل، شناخته شده است. منطق وجودی مسؤولیت ناشی از این عقیده عمومی است که قدرت بدون مسؤولیت وجود ندارد.

امروزه برغم آغاز به کار دیوان کیفری بین‌المللی، اصل، مسؤولیت غیرکیفری است و به استثنا مسؤولیت کیفری مطرح می‌شود. به بیان دیگر، هرگاه سخن از مسؤولیت بین‌المللی به میان می‌آید، منظور مسؤولیت غیرکیفری است، مگر آنکه بصراحت از مسؤولیت کیفری یاد شود.

امروزه دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان بین‌المللی حقوق دریاها و حتی نهادهایی چون شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد به مسأله مسؤولیت بین‌المللی غیرکیفری رسیدگی می‌کنند.

نظام مسؤولیت غیرکیفری، نظامی نسبتاً کهن است که در طول زمان تحول یافته و امروزه به صورت یک نظام حقوقی مستقل به نام «حقوق مسؤولیت بین‌المللی» درآمده است.

مسؤولیت غیرکیفری متوجه تابعان فعال حقوق بین‌الملل است؛ یعنی اگر کشورها رأساً یا از طریق مقامات خود، اعم از دولتمردان، کارمندان یا ارکان جمعی (قوای سه‌گانه و غیره) و حتی تحت شرایطی، اشخاص خصوصی مقیم در آن کشورها مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی گردند، مسؤولیت آن کشورها تحقق می‌یابد. همچنین، هرگاه سازمانهای بین‌المللی رأساً یا از

طریق مقامات و ارکان خود، عمل متخلفانه بین‌المللی مرتکب گردند، مسؤولیت آن سازمانها محرز است. در مقابل، نظام مسؤولیت کیفری، نظامی نسبتاً جدید است که مسؤولیت را منحصرأ متوجه اشخاص حقیقی می‌داند.

۴. خصوصیات و ماهیت مسؤولیت بین‌المللی

هر چند نظام مسؤولیت غیرکیفری، جدا از نظام مسؤولیت کیفری است، اما یکی از جلوه‌های ارتباط و اشتراک میان آن دو را می‌توان در تبیین عناصر تعریف مسؤولیت یافت.

طبق مواد ۱ و ۲ طرح راجع به مسؤولیت بین‌المللی کشورها مورخ ۲۰۰۱، هر عمل متخلفانه یک کشور، مسؤولیت بین‌المللی آن کشور را موجب می‌شود. عناصر این عمل متخلفانه عبارت است از رفتاری که به موجب حقوق بین‌الملل متضمن فعل یا ترک فعل قابل انتساب به یک کشور بوده و آن رفتار، نقض یک تعهد بین‌المللی از سوی آن کشور باشد.

اما در نظام مسؤولیت کیفری، رفتار و عملی موجب مسؤولیت است که به موجب حقوق بین‌الملل (حقوق بین‌الملل کیفری) متضمن فعل یا ترک فعل مجرمانه قابل انتساب به افراد انسانی باشد. البته، به طوری که بعداً خواهد آمد، ماده ۱۹ طرح مواد راجع به مسؤولیت بین‌الملل کشورها مصوب سال ۱۹۹۶، برای کشورها نیز مسؤولیت کیفری شناخته بود که این ماده در طرح مصوب سال ۲۰۰۱ حذف گردید. بنابراین، اگر نیک نگریسته شود، در ارتباط با خصوصیات و ماهیت مسؤولیت بین‌المللی، از یکسو وجوه اشتراک و تشابه ملاحظه می‌شود و از سوی دیگر، وجوه افتراق و تفاوت.

اولین و مهمترین وجه تشابه آن دو این است که در هر دو سیستم، عمل یا رفتار باید خلاف حقوق بین‌الملل باشد و دوم اینکه، آن عمل یا رفتار قابل انتساب به عامل باشد. اما برغم این وجوه تشابه، جهات افتراق نیز وجود دارد. در وهله اول، مجرمانه بودن عمل است. در واقع مجرمانه بودن عمل، نظام مسؤولیت غیرکیفری را از مسؤولیت کیفری متمایز می‌کند. وجه دوم افتراق، تفاوت میان عاملان در دو نظام مسؤولیت غیرکیفری و کیفری است؛ در نظام مسؤولیت غیرکیفری، عامل عمل متخلفانه بین‌المللی، کشورها و سازمانهای بین‌المللی هستند، در حالی که در نظام مسؤولیت کیفری، عامل که عمل خلاف بین‌المللی به او منتسب است، «فرد» می‌باشد.

۵. تحول در مفهوم مسؤولیت بین‌المللی

تحول اساسی نظام مسؤولیت غیرکیفری بین‌المللی، مرهون فعالیت‌های مستمر کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در طی سال‌های متمادی است. اقدامات کمیسیون پس از سالها، در سال ۲۰۰۱ به نتیجه نهایی رسید و طرح مواد راجع به مسؤولیت بین‌المللی کشورها توسط کمیسیون تصویب شد.

اما در مورد مسؤولیت بین‌المللی در وجه کیفری، باید به اقدامات پس از جنگ دوم و محاکمه جنایتکاران جنگی در دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو، دادگاه‌های بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا، قانون مربوط به جنایات علیه صلح و امنیت بشری مورخ ۱۹۹۶ و بالاخره، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی توجه نمود.

نظام مسؤولیت غیرکیفری - اعم از معاهده‌ای یا غیر معاهده‌ای - نظام واحدی است که با نظام مسؤولیت کیفری متفاوت است، هر چند میان آنها ارتباط و تداخل وجود دارد. در واقع منشأ صوری تعهد نقض شده یکی است و آن فعل خلاف بین‌المللی منتسب به عامل است، اما ماهیت تعهد متفاوت است. ماهیت مسؤولیت کیفری، کیفری است و مسؤولیت غیرکیفری، دارای ماهیتی غیرکیفری است.

جالب توجه اینکه طبق بند ۴ ماده ۲۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی: «هیچ کدام از مقررات مربوط به مسؤولیت کیفری افراد که در این اساسنامه آمده است، تأثیری بر مسؤولیت کشورها مطابق حقوق بین‌الملل نخواهد داشت.»

ب) انطباق و اجرای نظام مسؤولیت بین‌المللی در قبال نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه

در این قسمت، با طرح چندین پرسش و پاسخ به آنها، موضوع را پی می‌گیریم.

۱. ماهیت حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه نقض شده چیست؟

نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه تنها در مواردی جرم تلقی می‌شود که حقوق بین‌الملل کیفری عمل را جرم دانسته باشد (از جمله جنایت کشتار جمعی، جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و حتی تجاوز در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی). البته، ماده ۱۹ طرح سال ۱۹۹۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسؤولیت بین‌المللی کشورها، موارد زیر را نیز جرم یا به بیان

دقیق‌تر «جنایت» دانسته بود:

۱-۱. نقض فاحش یک تعهد بین‌المللی که دارای اهمیت اساسی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی باشد، مانند ممنوعیت تجاوز.

۲-۱. نقض فاحش قاعده‌ای که برای تضمین حق ملتها در تعیین آزادانه سرنوشت خود اهمیت اساسی دارد، مانند نقض قاعده‌ای که حاکی از ممنوعیت استقرار یا حفظ سلطه استعماری از طریق زور است.

۳-۱. نقض فاحش و گسترده یک تعهد بین‌المللی که برای حفظ وجود بشری دارای اهمیت اساسی است.

هنگامی که در اینجا سخن از حفظ وجود بشری به میان می‌آید، دیگر میان حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه تفاوتی نیست، از جمله تعهدات مبتنی بر منع برده‌داری، کشتار جمعی و آپارتاید.

۴-۱. نقض فاحش تعهد بین‌المللی که برای تضمین و حفظ محیط زیست انسانی واجد اهمیت اساسی است، مانند تعهدات راجع به منع آلودگی جو یا دریاها.

در ماده ۱۹ طرح هر چند از واژه «جنایت» استفاده شده است. اما این به هیچوجه به این معنی نیست که مقصود تدوین‌کنندگان طرح، پیش کشیدن مسؤلیت کیفری بین‌المللی برای کشورها باشد.

عمل متخلفانه بین‌المللی، چه جنایت باشد و چه جرم یا جنحه، عملی است که ممکن است مسؤلیت بین‌المللی غیرکیفری کشورها را پیش آورد. بعلاوه، طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل به تنهایی نمی‌توانست مبنای قانونی برای اتهامات احتمالی و بعدی کشورها شود، بلکه می‌بایست یک سلسله قواعد دیگر نیز به آن افزوده می‌شد. شاید به همین دلیل بود که در طرح نهایی کمیسیون ماده ۱۹ حذف گردید.

۲. آیا نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه ممکن است علاوه بر ماهیت کیفری، ماهیت

غیرکیفری هم داشته باشد؟

در پاسخ باید موضوع را از دو جهت مورد بررسی و توجه قرار داد: یکی به جهت ضرر و زیان ناشی از جرم و دیگری مواردی که به طور کلی در چارچوب صلاحیت دیوان بین‌المللی

دادگستری قرار می‌گیرد، زیرا این دیوان منحصرأ در مورد مسؤلیت غیرکیفری مداخله می‌کند. البته، مسؤلیت جبران ضرر و زیان ناشی از جرم متوجه کشورهاست و نه افراد. برای مثال، ممکن است جنایت علیه بشریت یا جنایت جنگی را مقامات یا فرماندهان نظامی مرتکب شده باشند، اما مسؤلیت جبران ضرر و زیان ناشی از آن اعمال با کشور متبوع آنهاست. بنابراین، مسؤلیت کیفری افراد در هیچ حالتی در سطح بین‌المللی به صورت مستقل و مستقیماً جنبه غیرکیفری یا مدنی ندارد.

۳. موارد نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه که منجر به مسؤلیت بین‌المللی می‌شوند،

کدامند؟

۳-۱. هر مورد نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه که نتیجه عمل متخلفانه بین‌المللی یا جرم بین‌المللی شناخته شود، منجر به مسؤلیت بین‌المللی می‌گردد.

۳-۲. تشابه موارد نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه را می‌توان در مواد ۷ و ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ملاحظه نمود که به نوعی با مسأله وحدت مسؤلیت ارتباط پیدا می‌کند. در ماده ۷ از مصادیق جنایت علیه بشریت و اعمال غیرانسانی مشابه دیگری که عامداً به قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جمع یا به سلامت روحی و جسمی صورت پذیرد، سخن به میان می‌آید و در ماده ۸ در تبیین و تعریف و مصادیق جنایات جنگی، عین عبارت «فراهم آوردن موجبات رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا سلامت روحی و جسمی» مقرر در ماده ۷ ملاحظه می‌گردد. در مورد شکنجه نیز این تشابه دیده می‌شود.

۳-۳. برخی از موارد نقض حقوق بشر، از جمله «تجاوز به کرامت شخص»، «رفتار موهن و تحقیرآمیز» و یا «محروم کردن عمدی اشخاص تحت حمایت از حق محاکمه عادلانه و قانونی» در زمره موارد نقض حقوق بشر دوستانه نیز شناخته شده‌اند (از جمله بند ۲۱ ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در مورد اسیران جنگی).

۳-۴. نقض عهدنامه‌های چهارگانه ژنو مورخ ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی مورخ ۱۹۷۷ و سایر قوانین و عرفهای مسلم جنگی شناخته شده در حقوق بین‌الملل که منحصرأ موجب مسؤلیت بین‌المللی ناشی از نقض حقوق بشر دوستانه می‌گردد.

۳-۵. نقض قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام در زمینه‌های حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، از

جمله حق زندگی، حق برخورداری از محیط زیست سالم، حق برخورداری از دادرسی عادلانه و امثال آنها.

۳-۶. نقض مواردی از حقوق بشر که در حقوق بشر دوستانه نیز قابلیت اعمال دارد، از جمله پیش‌بینی حقوق متهم یا اصولی چون اصل قانونی بودن جرم و مجازات یا اصل عطف به ماسبق نشدن مقررات قانونی، اصل براءت، مقرر در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی.

۴. مسؤول نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه کیست؟

در قبال نقض برخی از حقوق بشر که در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز پیش‌بینی شده، مسؤولیت بین‌المللی متوجه اشخاص حقیقی است (مانند جنایت کشتار جمعی یا جنایت علیه بشریت) و در سایر موارد، مسؤولیت متوجه کشورهاست. اما در قبال نقض حقوق بشر دوستانه، مسؤولیت بین‌المللی هم متوجه اشخاص حقیقی است (جنایات جنگی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی) و هم متوجه کشورها یا سازمانهای بین‌المللی (مسؤولیت غیرکیفری).

۵. قربانی نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه کیست؟

در حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه یک وجه اشتراک وجود دارد و آن اشخاص حقیقی هستند که قربانی نقض می‌شوند؛ با این تفاوت که در حقوق بشر، قربانی نقض در اساس شهروندان یک کشورند (و استثنائاً بیگانگان)، اما در حقوق بشر دوستانه، قربانی نقض شهروندان طرف متخاصم هستند. البته، در مخاصمات غیربین‌المللی، قربانی نقض شهروندان یک کشور و حتی نیروهای حافظ صلح یا نیروهای چندملیتی هستند. بعلاوه، در حقوق بشر دوستانه علاوه بر شهروندان طرف متخاصم، ممکن است خود کشور طرف متخاصم هم قربانی نقض گردد، از جمله در مورد انهدام اموال غیرنظامی دولتی.

۶. مدعی نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه کیست؟

اشخاص زیر می‌توانند مدعی نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه باشند:

۱-۶. کشورها و سازمانهای بین‌المللی در چارچوب صلاحیت اعطایی به آنها.

۲-۶. اشخاص حقیقی که قربانی نقض شده باشند (نقض حقوق بشر و حق مراجعه مستقیم

به برخی از نهادهای حقوق بشری با نقض حقوق بشر دوستانه و مراجعه غیرمستقیم از طریق

حمایت دیپلماتیک برای نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه).

۳-۶. هر کشوری که در قبال نقض هر قاعده آمره بین‌المللی (بخش سوم طرح مواد راجع به مسؤولیت کشورها، مواد ۴۰ و ۴۱).

۷. پیامدهای بین‌المللی در قبال نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه کدامند؟

۱-۷. در قبال نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه مقرر در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، حکم به مجازات (ماده ۷۷)، جبران خسارات مجنی علیهم (ماده ۷۵) و بالاخره تعلق غرامت (ماده ۸۵) است.

۲-۷. در قبال نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه مقرر در حقوق مسؤولیت بین‌المللی (غیر کیفری)، مقرر در طرح مواد راجع به مسؤولیت کشورها، پیامدها عبارتند از: اعاده وضعیت به حال سابق (ماده ۳۵)؛ جلب رضایت زیان دیده (ماده ۳۷)؛ اقدامات متقابل (مواد ۴۹ تا ۵۴ با پرداخت غرامت (مواد ۳۶، ۳۸ و ۳۹).
در مجموع، هیچ یک از موارد مذکور، مانع از مطالبه ضرر و زیان مادی نخواهد بود.

۸. معاذیر یا موجبات رافع مسؤولیت بین‌المللی کدامند؟

الف) موجبات رافع مسؤولیت کیفری بین‌المللی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی عبارتند از:

۱. موارد خاص مقرر در ماده ۲۸ در مورد مسؤولیت فرماندهان نظامی و سایر مقامات مافوق؛
 ۲. موجبات کلی معافیت از مسؤولیت کیفری مقرر در قوانین جزایی کشورها (ماده ۳۱)؛
 ۳. اشتباهی که عنصر معنوی جرم را از بین برده باشد (ماده ۳۲)؛
 ۴. موارد خاص مقرر در ماده ۳۳ اساسنامه در مورد دستور مقامات مافوق و تجویز قانونی.
- ب) موجبات رافع مسؤولیت غیر کیفری بین‌المللی در طرح مواد راجع به مسؤولیت کشورها در خصوص نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه عبارتند از:
۱. رضایت زیان دیده (ماده ۲۰)؛
 ۲. دفاع مشروع (ماده ۲۱)؛
 ۳. قوه قاهره یا فورس ماژور (ماده ۲۳)؛
 ۴. اضطرار (ماده ۲۴)؛

۵. حالت ضرورت (ماده ۲۵)؛

در مورد حالت ضرورت به عنوان یکی از موجبات رافع مسؤولیت غیرکیفری کشورها مربوط به نقض حقوق بشر دوستانه، ماده ۱ مشترک عهدنامه‌های چهارگانه ژنو، کشورهای متعاقد را ملزم ساخته تا در همه احوال (از جمله حالت ضرورت) به این عهدنامه‌ها عمل کنند و حتی پیش‌بینی شده است که اتباع خود را نیز ملزم و متعهد کنند.

از سوی دیگر، کمیسیون حقوق بین‌الملل در شرح ماده ۳۳ طرح مواد راجع به مسؤولیت بین‌المللی کشورها مورخ ۱۹۸۰ (ماده ۲۳ طرح سال ۲۰۰۱)، معاهدات راجع به حقوق بشر دوستانه را در زمره معاهداتی می‌داند که صریحاً استناد به حالت ضرورت جنگی برای توجیه اقدام خلاف آنها ممنوع است.

۶. ممنوعیت اقدامات متقابل؛

در طرح مواد راجع به مسؤولیت کشورها، یکی از معاذیر معافیت از مسؤولیت بین‌المللی اقدامات متقابل دانسته شده است (ماده ۲۲)، اما باید توجه داشت که مبادرت به اینگونه اقدامات در قبال نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه ممنوع است، زیرا از یک سو طبق بند ۵ ماده ۶۰ عهدنامه وین در زمینه حقوق معاهدات، اجازه فسخ معاهدات با خصوصیت بشری در قبال نقض اساسی آنها داده نشده است و از طرف دیگر، طبق ماده ۵۰ طرح یادشده، تعهداتی که خصیصه بشری دارند، نمی‌توانند موضوع اقدامات متقابل قرار گیرند.

ممنوعیت اقدامات متقابل صریحاً در اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق بشر دوستانه پیش‌بینی شده است (از جمله ماده ۴۶ عهدنامه اول ژنو؛ و بالاخره ماده ۲۰ پروتکل شماره یک الحاقی به عهدنامه‌های ژنو. البته، پروتکل شماره دو در این باره ساکت است).

فلسفه وجودی مقررات یادشده، حفظ موجودیت انسانی است تا انسانها قربانی اقدامات متقابل قرار نگیرند.

۷. ممنوعیت مطلق خدشه به قواعد آمره؛

طبق ماده ۲۶ طرح یادشده، هیچ یک از موجبات معافیت از مسؤولیت بین‌المللی، به متخلفانه بودن عمل کشوری که مطابق با یک تعهد ناشی از یک هنجار آمره حقوق بین‌الملل عام نباشد، خدشه‌ای وارد نمی‌کند. به بیان دیگر، عملی که برخلاف قاعده آمره صورت گرفته باشد، نمی‌تواند عامل را از مسؤولیت برهاند.

امروزه از آنجا که بسیاری از قواعد حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه به سطح قواعد آمره ارتقا

پیدا کرده‌اند، به همین جهت چنین به نظر می‌رسد که موضوع معاذیر یا موجبات معافیت از مسؤولیت بین‌المللی در قبال نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه تا حدود زیادی منتفی باشد.

ج) نتیجه‌گیری

نظام حقوقی مسؤولیت بین‌المللی یا حقوق مسؤولیت بین‌المللی در اساس وصف قواعد حاکم بر «مسؤولیت غیرکیفری بین‌المللی» است که تابعان فعال حقوق بین‌الملل، یعنی کشورها و سازمانهای بین‌المللی را درگیر می‌کند. اما بتدریج، مخصوصاً با تصویب اساسنامه رم که سند تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی است، مسأله «مسؤولیت کیفری بین‌المللی» افراد نیز مطرح گردید.

نهاد مسؤولیت بین‌المللی - اعم از کیفری یا غیرکیفری - نتیجه ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی قابل انتساب به عامل است. این عمل متخلفانه ممکن است دارای ماهیت غیرکیفری یا کیفری و یا توأمان باشد. در زمره اعمال متخلفانه بین‌المللی که از حساسیت خاصی برخوردار است، نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه است، بویژه رابطه متقابل آن دو، حساسیت موضوع را بیشتر می‌کند.

مناسبات متقابل مفاهیم حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه موجب یک سلسله تقارنها از یکسو و یک سلسله تفاوتها از سوی دیگر است.

یک عمل مجرمانه بین‌المللی در عین حال که منجر به تحقق مسؤولیت کیفری می‌شود، مسؤولیت غیرکیفری کشور یا سازمان بین‌المللی عامل را نیز فراهم می‌کند و این در واقع همان ضرر و زیان ناشی از جرم است.

البته، چه بسا ممکن است عملی تخلف بین‌المللی محسوب شود، اما جرم یا جنایت بین‌المللی به حساب نیاید. نقض غیرشدید یا غیرعمده حقوق بشر از جمله این موارد است.

قربانیان نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه عمدتاً اشخاص حقیقی، و مدعیان نیز عمدتاً کشورها هستند.

در هر صورت، هنگامی که مسؤولیت - اعم از کیفری یا غیرکیفری - تحقق یابد، آثار و پیامدهایی به همراه دارد که مهمترین آنها مجازات و پرداخت غرامت است.

با وجود این، نباید معاذیر یا موجبات رافع مسؤولیت بین‌المللی را چه در امور کیفری و چه در امور غیرکیفری از نظر دور داشت.

فهرست منابع

فارسی

- دفتر امور بین الملل قوه قضائیه، اساسنامه دیوان کیفری بین المللی و سند نهایی کنفرانس دیپلماتیک رم، مورخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ (۲۶ تیرماه ۷۷).
- نویسنده: «حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه و حقوق بین الملل بشر»، ارائه شده در همایش بررسی تحولات اخیر حقوق بشر دوستانه بین المللی، برگزار شده توسط کمیته ملی حقوق بشر دوستانه هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، آذرماه ۱۳۸۱، چاپ شده در مجموعه مقالات همان همایش، کمیته بین المللی هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳.
- نویسنده: «تأثیر متقابل حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه از منظر مسؤولیت بین المللی»، ارائه شده در همایش حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، برگزار شده توسط مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه تهران، مهرماه ۱۳۸۲.

لاتین

- Draft articles, on Responsibility of States For International Wrongful acts, Report of The ILC. On the Work of its Fifty- Third Session, Nov.2001.
- Documents an the laws of War, Oxford University Press, Third Edetion, 2004.
- Report of the ILC an the Work of its 32nd session, YBILC. (1980). Vol. II (part two), pp.50-51.
- Report of the ILC on the Work of its 32nd Session. YBILC. (1980), Vol. II (Part Two), pp. 50-51.